

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرید پرواز
۱۱ دسمبر ۲۰۱۵

در باب داو و دشنام و رعایت «عفت کلام»

در گذرگاه زمان، هنگامی که اجتماعات بشری در یک کشور (ظاهراً) در کمال «آسایش» و «آرامش» به سر می برند و سوخت و ساز تضاد های طبقاتی بی شعله و بی دود می باشد و خاکستر «زندگی باهمی» و «مسالمت آمیز» بین طبقات متخاصم روی اخگر واکنش های استنثار شوندگان - در برابر طبقات بهره کش - را پوشانده، در چنین حالات، رویارویی رزمندگانی که در صف مردم ایستاده و با زبان و با زبان قلم به نقد از طبقات حاکمه می پردازند و قلم به دستان طبقات حاکمه وابسته و اجیر شدگان قلم به دستش هم به دین شکل عمل می کنند و از مواضع طبقات حاکمه به دفاع بر می خیزند. هر دو طرف متضاد در گزینش واژه ها، مقولات و جملات برای افاده مطالب سیاسی نظامی و مرز احتیاط را در مرکز دید شان قرار داده سعی می کنند به اصطلاح «حرمت قلم» و «عفت کلام» را رعایت نمایند؛ مگر در هنگام تکان ها و بحران های سیاسی اقتصادی که کارد تیز و بی رحم طبقات حاکمه بر روی استخوان رنجبران کش می شود تا آن را از هم جدا نماید؛ در چنین اوضاع و حالات توده های به ستوه آمده دست به اشکال مبارزه مسالمت آمیز زده، اعتراضات شان را با تظاهرات مسالمت آمیز به طرق مختلف در برابر نمایندگان مسلح طبقات حاکمه (دولت) نشان می دهند. هزاران بار دیده و شنیده و خوانده شده که اقلیت ناچیز و طفیلی، یعنی طبقات حاکمه از نمایندگان شان (دولت) خواهان سرکوب واکنش های به حق مردم می شوند. نظام با تمام پایه ها، رده ها و رگه های رسانه ای و امنیتی و نظامی و ... اش در حالت آماده باش قرار می گیرند و بر جنبش می تازند. نقد با قلم و زبان جایش را به نقد با اسلحه می دهد تا هر اعتراضی را در نطفه خفه سازند. [همانطوری که به روز سوم عقرب ۱۳۴۴ خورشیدی دولت آن وقت به جنبش به حق و اعتراضی هزاران تن به خاطر خفه ساختن جنبش تاخت و عده ای را گرفتار و زندانی نمود و عده ای دیگر را با مرمی های عساکرش کشت] این جا دولت برای حفظ بقای طبقات بهره کش چهره اصلی اش، یعنی چهره قهر و غضب و زور را نشان داد. قلم به دستان شان هم در انتخاب و گزینه هایشان تجدید نظر کردند و با واژه ها و کلمات زشت، میان خالی و نا روا مانند «اینان نوکران چین و مزدورند» و به نقد از هزاران تظاهر کننده پرداختند در عین زمان توقع داشتند که نمایندگان جنبش، حتا در درون زندان ها هم عفت کلام را در نظر داشته جواب داو و دشنام هایشان را ندهند.

برویم نگاهی گذرا به دوران تره کی - امین - کارمل - نجیب بیندازیم :

جوش و خروش مردم به ضد دولت کودتا روز تا روز اوج می گرفت . لحن قلم به دستان وابسته به دولت کودتا (به خصوص نویسندگان اجیرشده شان) خیلی ها اهانتبار و آکنده از داو و دشنام های سیاسی و بعضاً اخلاقی بود؛ مگر فرزندان واقعی مردم ، یعنی قلم به دستان فداکار و مبارز شان ؛ حتا در «شبنامه» های نشر شده شان این به اصطلاح «عفت کلام» را رعایت می کردند ، با آن که خبر می شدند که جنایت کاران خلقی و شرکای پرچمی شان در زندان ها از دادن انواع داو و دشنام به زندانیان دریغ نمی ورزند . آزادخواهان مبارز حاضر بودند بمیرند ؛ ولی نمی خواستند کسی زن ، مادر ، خواهر و... شان را دشنام ناموسی دهد . این میهن فروشان بی رحم مردم و فرزندان شان را علاوه بر شکنجه های وحشیانه با دشنام های رکیک ناموسی (که هزار بار شدیدتر از هر نوع شکنجه است) شکنجه می کردند .

زمانی که روسها به کشور تجاوز کردند ، دیگر هیچ اثری از «عفت قلم» و «عفت کلام» به جای نمانده بود . اینها (پرچمی ها و خادی ها) با شگرد و شیوه های نوین مردم و فرزندان قلم به دست شان را تحقیر و توهین می کردند . به گونه مثال آرزو داشتند که زندانیان در برابر داو و دشنام ناموسی به مادر و خواهر و زنان شان خاموش بمانند و دشنام متقابل ندهند؛ اما چنین امری به هیچ وجه میسر نبود این مبارزان خلاف فرهنگ متعالی و باورهای مترقی شان متقابلاً به جواب می پرداختند . جنگ های مسلحانه آغاز شده بود . در عرصه رسانه ها در صحبت ها از تریبون ها ، هر داو و دشنامی که لایق خودشان بود به مردم و قلم به دستان شان می دادند . این بر همگان هویداست که دشنام بدتر از ضربات مشت و لگد؛ درد و داغ را بار می آرد - درد و زخم و داغی که دیده نمی شود .

حال سخن کوتاه که ملال خاطر بار نیارد ؛ ۱۵ سال کشتار مردم توسط اشغالگران به سر باندی امپریالیسم جنایتگستر امریکا و صف بندی روشنفکر دو جهت متضاد (از مردم و ضد مردم) باشد به جایش . مسلماً این ۱۵ سال جرم و جنایت و خیانت و کشتار های دسته جمعی و..... ماهیتاً از این بحث دور بوده نمی تواند .

هرگاه قلم به دستانی که شکوه و شکایت از داو و دشنام مبارزان آگاه ، راستین و دارای پیشینه شفاف مبارزه علیه دشمنان مردم دارند و در عرصه مبارزه فرهنگی با آنان مواجه اند ، تثبیت نمایند که خودشان طی سالهای درگیری با طبقات حاکمه به رهبری ظاهر شاه و طی مبارزه با دولت دست نشانده روس و هم اکنون که امپریالیسم امریکا و شرکایش کشور را در اشغال دارند ؛ در کجا ایستاده بودند و اکنون در کجا ایستاده اند؛ در صف مردم ؟ یا در صف دشمنان مردم ؟؛ چون هاشمیان و هاشمیان ها که در سراسر زندگی ننگین ویر از کین شان همواره در خدمت طبقات حاکم و حامیان جهانی شان امپریالیسم انگلیس و سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم امریکا قرار گرفتند و بر فرزندان اصیل فداکار و شجاع مردم می جفیدند و هم اکنون می جفند . هرگاه حیات ننگین شان ادامه یابد، هزاران بار دیگر خواهند جفید تا جیفه و «چرم و چکل» دسترخوان شان از جانب ولی نعمتان شان کم نگردد . هرگاه در صف مردم قرار داشته باشند، در چنین صورت داو و دشنام به آنان یک عمل زشت و شدیداً قابل نقد و نکوهش می باشد و اگر طور معروف "خدای ناخواسته" ؛ این شاکی ها خود در طول زندگی فرهنگی و سیاسی و در برهه کنونی (که امپریالیسم و ارتجاع با ریزه خواران قلم به دست شان هر روز و هر ساعت و هر دقیقه از مردم قربانی می گیرند و دار و ندار کشور را به تاراج می برند و....) در پهلوی طبقات حاکمه ، ارتجاع اسلامی و امپریالیسم قرار دارند ؛ مستحق هر گونه داو و رکیک ترین دشنام اند و نباید با اکت و تمثیل ادیب بودن و تاریخ نویس بودن و تحلیل گر سیاسی ادبی بودن خاک به چشم مردم بپاشند و از «عفت کلام» دم بزنند .